

■ چه جویری همیشه دلت پاک باشه ولی ازش کلی چیزهای نامربوط بیاد بیرون؟



ظاهر هم مهمه یا فقط دلت پاک باشه کافیه؟ چه ربطی
بین ظاهر و باطنمون هست؟
دیدنی اینایی رو که هرچی دلشون میخواد میگوین و وقتی از دستشون
ناراحت میشی میگوین من دلم خیلی مهربون و پاکه؟!
یا تا حالا شده درس نخونده رفته باشی سر جلسه امتحان؟
چند بار آرزو کردی که ۲۰ بگیری؟ به نظرت میشه؟
تقریباً همه مون این آرزو رو حداقل یه بار داشتیم!

حالا یا مریض بودیم ، یا تنبلی کردیم، یا خیال بافی کردیم و در آرزوی کمک موجودات فضایی درس نخوندیم، یا هم که توی فکر ۲۰ با قلب بودیم و درس نخوندیم، ولی میدونی چیه حتی اگه با قلب هم ۲۰ بگیری، اون ۲۰ مال تو نیست یعنی چی؟
یعنی اون ۲۰، حاصل دانسته های تو نیست و از درون تو نیومده بیرون؛ آخه همیشه که ما توی وجود خودمون چیزی رو نداشته باشیم، ولی بروزش بدیم؛ حتما حتما حتما ما اون چیزی رو بروز میدیم که توی وجود خودمون داریم و یه جورایی کسبش کردیم، به زبان انسان شناسانه بخوایم بگیم میشه این: «الظاهر عنوان الباطن!»

بله این هفته میخوایم در مورد این حرف بزنیم ظاهر ما نمود و ظهور و بروز باطن ماست یعنی همیشه قلبت پاک باشه ولی پشت سر همه حرف بزنی و همه رو برنجونی بعله همیشه آقا جان!

■ ظاهر و باطن همینیه که بی بی!

هولوویدی



QR کد را اسکن کنید.



میشه ادعای چیزی رو داشته باشیم یا قیافه چیزی رو بگیریم که
واسش به وجود مبارکمون هیچ زحمتی ندادیم؟

یا انتظار بروز چیزی رو از خودمون ببینیم که واسش هیچ تلاشی
نکردیم؟ حالا از بی‌خیالی نسبت به نماز و روزه و این چیزها گرفته
تا اینکه هرجوری دلشون خواست حرف بزنن و هر کاری دوست
داشتن انجام بدن و آخرش هم بگن ما که قلبمون پاکه! اصلا به
نظر شما همچین چیزی ممکنه؟

یعنی مثلا میشه بدون اینکه درس مکانیکی خونده باشیم یا
مکانیکی رو از کسی یاد گرفته باشیم، صبح از خواب بلند بشیم
و از همه قطعه‌های ماشین سر در بیاریم؟

یا بدون اینکه کسی بهمون آشپزی یاد داده باشه، مثل آشپزهای
حرفه‌ای غذا بپزیم؟ یا بدون هیچ تلاشی واسه یاد گرفتن زبون
چینی، مثل بلبل چینی صحبت کنیم و تازه توی نمایشگاه خط
چینی هم اول بشیم؟ آخه عاقل حکم میکنه که هیچ کدوم از
اینا بدون تحمل سختی و زحمت به دست نیاد! پس چه جوری
میشه که بعضیا میگن دلت پاک باشه کافیه، ولی واسه داشتن
یه همچین دل پاکی هیچ رقمه زیر بار هیچ سختی و تلاشی نمیرن!

دوست‌های من



QR کد را اسکن کنید.



■ بعضی وقتا اینقدر شور به چیزی رو در میاریم که کلا از اون ور بوم می افتیم مثلا همین مُد اینقدر خودمون رو درگیرش میکنیم که سر و ریخت و حرف زدنون از حال آدمیزاد در میاد و یادمون میره اتفاقا اون چیزی که نشون میده توی قلبمون چه خبره دقیقا همین قیافه مونه!

■ حتما به دلیلی داره!

خب اگه یادتون باشه ما راجع به اینا کلی با هم حرف زدیم و گفتیم که اخلاق و رفتارمون نتیجه همون ورودی‌هاییه که به خورد خودمون دادیم! پس اگه یهو به حرفی از دهنمون در اومد که نباید می‌اومد، یا به کاری کردیم که نباید می‌کردیم، یا اصلا حال و حوصله خدا و نماز و روزه و این جور چیزها رو نداشتیم، حتما به جایی توی ورودی‌هامون خرابکاری داشتیم دیگه! حالا این ورودی‌های کج و کوله اول از همه توی قلبمون سرازیر شدن و بعدش هم وقتی که فرصت رو مناسب دیدن، خودشون رو بروز دادن!

اصلا میدونین چیه ما توی همون محدوده‌ای میتونیم عمل کنیم، که توش غذا خوردیم؛ حالا می‌خواد این غذا از راه فیلم و موزیک و چیزهایی که میبینیم و میشنویم باشه، یا فکر و خیال‌هایی که می‌کنیم و آدم‌هایی که باهاشون وقت می‌گذرونیم! بذارین راحتون کنم، اصلا ظاهر ما یه جورایی مثل ویتترین اتفاق‌هاییه که توی درونمون میفته! که به زبون فیلسوف‌هایی که قلمبه سلمبه حرف می‌زنن میشه همون «الظاهر عنوان الباطن»!

■ تو دلت چه خبره؟



خداییش ما وقتی گلدون گوشه اتاقمون هم بیحال میشه و برگ‌هاش شروع به ریختن میکنه، دنبال عیب و ایرادش از جای دیگه می‌گردیم؛ حالا چه جوری میشه که نمیتونیم قبول کنیم، که حرف‌ها و کارهای جور و اجورمون هم از یه جایی سرچشمه میگیرن و همین جوری خودبه‌خودی به وجود میان؟!!

دوست‌ها



QR کد را اسکن کنید.



■ به جایی توی وجودمون که مثل یه غار یا یه کمد بزرگ میمونه که هر چی به دستمون رسیده برای روز مبادا چپوندیم توش و با خودمون این ور و اون ور میکشونیم!!

■ از گوزه همان برون تراود که در اوست

اصلا میدونین چیه ما همون چیزهایی رو از خودمون بروز میدیم که یه جوری واسشون زمینه‌سازی کردیم؛ حالا چه واسه یه کار مثبت باشه، چه واسه یه کار منفی! یعنی همین جوری نیست که آرزوی هر چی رو داشتیم، اون رو جزء دارایی‌هامون حساب کنیم! مثلا همیشه که چون دست و دلبازی رو دوست داریم، خودمون رو دست و دلباز بدونیم، ولی توی عمل حتی زورمون بیاد که غدامون رو به کسی تعارف کنیم! یا خودمون رو مثل یه فرشته مهربون بدونیم و با اطرافیانمون از ده تا گرگ درنده هم خشن‌تر رفتار کنیم!

رک و پوست کنده‌اش میشه اینکه ممکنه اون آدم ایده‌آل و بی‌عیب و نقصی که از خودمون تصور میکنیم، با باطن واقعی‌مون فرق داشته باشه. چون ظاهر و باطن ما با هم به رابطه مستقیم داره و پاک بودن دلمون هم به همه اون خوراکی‌های مثبت حسی و خیالی و وهمی که واسش فراهم کردیم یا چیزهای پرت و پلائی که ازش دور کردیم، بستگی داره، نه اون ادعایی که خودمون داریم! پس اینکه فکر کنیم ظاهر و باطنمون به هم ربطی ندارن و واسه خودشون دوتا حکومت خود مختارن، همون قدر خنده داره که انتظار داشته باشیم از توی شیشه نوشابه شیرکاکائو در بیاد! حالا این مساله ظاهر و باطن رو آقای زارع کامل توضیح دادن، میتونین کهکشان رو نگاه کنین و کامل مرور کنین مطلب رو:

■ من دلم پاکه



QR کد را اسکن کنید.



■ چکار کنم دلم پاک بونه؟

پس تا اینجا فهمیدیم که هر دلی پاک نیست و اگه دلت پاک باشه، حتماً به جوری خودش رو توی حرف‌ها و کارها و رفتارها نشون میده! یعنی اصلاً کار دل و قلب این مدلی نیست که بشه روش سرپوش گذاشت و حقیقتش رو قایم کرد و دلی که پاکی حتماً حتماً خروجی‌های پاکی هم از خودش بروز میده. پس همون جور که نمیتونیم به غذای فاسد بخوریم و به شب و روز عادی داشته باشیم، نمیتونیم هر کاری دلمون خواست انجام بدیم و فکر کنیم دلمون پاک و سالم می‌مونه! اصلاً میدونین چیه، پاک بودن دل و قلبمون بی‌خودی نیست و کلی زحمت داره! پاک بودن دلمون هم به نوع و اندازه چیزهایی که توی هرکدوم از بخش‌های وجودمون کسب کردیم، بستگی داره! درست مثل به بازی کامپیوتری که هرچی تمیزتر و بی‌عیب و نقص‌تر انجامش بدیم، امتیازمون بیشتره! یعنی همون جوری که نمره امتحان ما به تلاش و زحمتی که واسش کشیدیم بسته است، پاک بودن قلبمون هم به غذاهایی که بهش دادیم و مراقبت‌هایی که ازش کردیم بستگی داره! حالا به بار دیگه کل مطالب این هفته رو توی چراغ مرور کن که مساله خیلی خیلی مهم‌تر از چیزیه که به نظر میاد و اگه قشنگ دستت بیاد میتونه زندگیت رو از این رو به اون رو کنه:

■ چراغ



QR کد را اسکن کنید.